

باز کاوی خصیصه‌های تحریف‌گرایانه قوم یهود از دیدگاه شهید مطهری

بیژن تقی‌زاده*

◆ مقدمه

تاریخ قوم یهود مملو از تحریف، جعل، تغییر مفاهیم و محتوای ادیان و رخداد‌های تاریخی است. قدمت این‌گونه تحریفات به پیش از پیامبری حضرت موسی(ع) می‌رسد. آن حضرت در زمان پیامبری خویش، همواره با لجاجت و عنادورزی این قوم روبه‌رو بود. در کتاب تورات نشانه‌های بسیاری از لجاجت، تحریف‌گری، دنیاگرایی و عناد این قوم با حق و حقیقت بیان شده است. یکی از متفکرانی که اقدام به واکاوی خصیصه «تحریف‌گرایانه» قوم یهود نمود، آیت‌الله شهید مرتضی مطهری بود. شهید مطهری، ضمن اینکه اقدام به شناخت یهود و خصیصه‌های آن قوم نمود، به آسیب‌شناسی‌های این قوم بر جهان اسلام و راه‌های مقابله با آن پرداخت. بی‌شک شهید مطهری از چهره‌های شاخص و نوآور در اندیشه معاصر اسلامی و از طلایه‌داران نگاه نو به

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

مفاهیم دینی می‌باشد. او با شناخت عمیق اسلام و قرآن و با توجه کامل به اندیشه‌ها و مکاتب شرق و غرب و با شناختی که از شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زمان خود داشت در مسیر این رسالت الهی حرکت کرده، به توفیقات عظیمی دست یافت. وی اول آفاق جان و فکرش را به انوار تابناک معارف اسلامی و قرآنی روشن ساخت و از سرچشمه‌های زلال اسلامی سیراب گشت، آن‌گاه با اخلاصی عمیق - که عامل جریان و جوشش چشمه‌های حکمت از قلب انسان به زبان اوست - این افکار و اندیشه‌های ناب را در بیان شیوا و عمل خود به منصفه ظهور گذاشت.

پژوهش فوق برآن است تا با نگاهی به آثار شهید مطهری، دیدگاه وی را در مورد اسرائیل و علل عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار دهد.

اندیشه سیاسی این عالم از آن جهت حائز اهمیت است که نمی‌توان نقش ممتاز وی را در تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی ایران در قرن اخیر را انکار کرد. وی از نادر عالمان صاحب‌نظری است که دیدگاهش در مورد مسائل اسلامی از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار است.

شهید مطهری همانند بسیاری از عالمان سیاسی، مقابله با خطر صهیونیسم را از اقدامات فوری و اصلی در سیاست خارجی عالم اسلام ذکر می‌کرد و نفوذ صهیونیسم را خطری بزرگ برای آینده بشریت و جهان اسلام می‌دانست. او معتقد بود که صهیونیست‌ها علاوه بر اینکه قصد تضعیف روحیه همبستگی مسلمانان را دارند، قصد گسترش سرزمین، افکار و جمعیت خود را نیز دارند؛ از این رو، این شهید به بررسی موجودیت اسرائیل از دیدگاه قرآن پرداخت. در این پژوهش با توجه به نگرش شهید مطهری نسبت به اسرائیل به بیان چند موضوع می‌پردازیم؛ ابتدا بیان موجودیت و ویژگی‌های قوم یهود با استناد به قرآن. دوم، بیان تبلیغاتی که موجب بقای قوم یهود در قرن کنونی شده است. سوم، بیان وظایف مسلمانان در برابر تهدیدات.

♦ قوم یهود قهرمان تحریف در طول تاریخ

آیت‌الله مطهری با استناد به آیات قرآن استدلال نموده که قوم یهود، همواره تحریف ادیان را سرلوحه اعمال خود قرار داده‌اند و این امر جزء ذات آنهاست. به نظر وی این قوم به دو صورت به تحریف ادیان و تاریخ پرداخته است:

۱. تحریف لفظی ادیان و تاریخ

۲. تحریف معنوی ادیان و تاریخ

تحریف لفظی از دیدگاه شهید مطهری، تحریفی است که با افزودن، کاستن یا جابه‌جایی الفاظ در آیات، روایات دینی و یا اسناد تاریخی ایجاد می‌شود.^۱ اما در تحریف معنوی لفظ مورد تصرف قرار نمی‌گیرد، لفظ همان است که بوده، ولی آن را طوری معنی می‌کنند که مطابق مقصود خود باشد نه براساس مقصود اصلی‌گوینده. از نظر شهید مطهری قرآن کریم کلمه تحریف را مخصوصا در مورد یهودی‌ها به کار برده است؛ با ملاحظه تاریخ نیز معلوم می‌شود که آنها در طول تاریخ قهرمان تحریف هستند.

این خصلت یهودیان در قرآن به صورت یک خصیصه نژادی شناخته شده است. خداوند در یکی از آیات سوره بقره می‌فرماید: ای مسلمانان آیا شما طمع بستید که اینها به شما راست بگویند؟ اینها همان‌هایی هستند که با موسی می‌رفتند و سخن خدا را می‌شنیدند؛ اما وقتی که برمی‌گشتند تا در میان قومشان نقل کنند، آن را زیر و رو می‌کردند: «اقتطعون ان يؤمنوا لكم و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون». تحریف آنان از این باب نبود که نمی‌فهمیدند و عوضی بازگو می‌کردند؛^۲ بلکه از باب تغییر واقعیت به نفع خود بود؛ به عبارت دیگر از آنجایی که قرآن، یکی از معجزات الهی است که بر پیامبر نازل شده، هیچ‌کس نتوانسته است که یک کلام بدان اضافه یا از آن، کم نماید. در این راستا شاید بتوان گفت که از بداقبالی قوم یهود است که در مقابل چنین معجزه مستحکمی قرار گرفته است. و با تمام اسباب علمی و فکری خود نتوانسته به تحریف لفظی قرآن بپردازد، اما این قوم، اقدام به تحریف معنوی یا برداشت نادرست از قرآن کریم نموده است.

البته تحریف قرآن امری بسیار دشوار است. بعد از اسلام گروه‌ها و اقوام بسیاری سعی در القای برداشت نادرست از قرآن، یا تحریف معنوی آن داشتند، اما هیچ‌یک از آنها نتوانستند به

اندازه قوم یهود این‌گونه القاءات غلط را، حداقل به مردم خود و در جهان کنونی نهادینه سازند. به نظر آن شهید، این مهارت یهودیان برمی‌گردد به باهوشی آنها: «اینها شاید باهوش‌ترین مردم دنیا باشند، یک نژاد فوق‌العاده باهوش و متقلب».^۱ وی در بیان اینکه تحریف در امور اخلاقی، تربیتی و دینی بسیار خطرناک است، بیان داشته که تحریف، ضربت غیرمستقیم است؛ از پشت خنجر زدن است که نسل یهود در جهان قهرمان تحریف‌اند. هیچ‌کس به اندازه این قوم در تاریخ جهان تحریف نکرده؛ از این رو هیچ‌کس به اندازه آنها به بشریت ضربه نزده است.^۲



آیت‌الله مطهری با استناد به آیات قرآن استدلال نموده که قوم یهود، همواره تحریف‌ادیان را سرلوحه اعمال خود قرار داده‌اند و این امر جزء ذات آنهاست.

از سخنان آن شهید چنین برداشت می‌گردد که یهودیان برای بقای خود به دو گونه تحریف معنوی روی آوردند. یک گونه تحریف‌هایی بود که با آن بتوانند دشمن‌تراشی، توهم توطئه یا داشتن دشمن مشترک را القا نمایند. این تحریف را با تفسیر نادرست از اسلام و قرآن آغاز نمودند تا بتوانند قوم کوچک و

پراکنده خود را تحت یک دشمن فرضی دور هم جمع کنند.

گونه دیگر از تحریفات معنوی، مربوط است به فرآیند تاریخی قوم یهود؛ نظر شهید مطهری نسبت به این‌گونه تحریف آن است که یهودیان با تحریف تاریخ قصد دارند که برای خود مأمن و تاریخ بسازند. او بیان داشته که یهودیان مدعی هستند که در سه‌هزار سال پیش دو نفر از ما (داود و سلیمان) برای مدت موقتی در فلسطین سلطنت کرده‌اند؛ در صورتی که اگر تاریخ را بخوانیم، می‌بینیم که چه قبل از اسلام و چه بعد از آن، هرگز سرزمین فلسطین متعلق به یهود

۱. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی (تهران: صدرا، ۱۳۶۸)، ص ۱۵۵.

۲. مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۹۹.

نبوده است. روزی که مسلمانان فلسطین را فتح کردند، فلسطین در اختیار مسیحیان بود، نه در اختیار یهودی‌ها و اتفاقاً زمانی که مسیحی‌ها با مسلمانان صلح کردند، یکی از مواردی که در صلحنامه گنجانده شد این بود که شما یهود را در این سرزمین راه ندهید. گفتند: ما با شما زندگی می‌کنیم، ولی با یهود زندگی نمی‌کنیم؛ حال جای تعجب است که چگونه این سرزمین، یک دفعه نام وطن یهودی به خود گرفت؟^۱

شهید بزرگوار بعد از بیان قدرت تحریف یهودیان در دو حوزه لفظی و معنوی اظهار کرده که سراسر تاریخ یهود مملو از دروغ و تحریف است. به نظر می‌رسد در عصر حاضر علت اصلی تحریف یهودیان برای اعاده سرزمین موعود، ایجاد فضایی برای تجمیع آرا به نفع خود و همراهی کردن سایر ملل با خویش است. به عبارت دیگر، تحریف تاریخ به معنای ساختن تاریخ دروغین اسرائیلی می‌باشد. از نظر شهید مطهری، تاریخی که آنها بیان می‌دارند، تاریخ اجبار و تصرف سرزمین است. وی در خصوص تاریخ اسرائیل این‌گونه بیان نموده است که:

یهودی‌های دنیا بعد از اینکه از ملت‌های غیرمسلمان زجر و شکنجه و آزار می‌بینند (در روسیه، آلمان و بسیاری از نقاط دنیا)، بزرگان‌شان می‌نشینند می‌گویند تا وقتی که ما در اطراف دنیا متفرق هستیم، در هر جا اقلیتی هستیم، سرنوشت ما همین است. ما باید مرکزی را انتخاب کنیم و همه آنجا جمع شویم، اتباع مذهب یهود آنجا جمع شوند. اول هم جایی را که فکر نمی‌کنند، فلسطین است، جاهای دیگر را فکر می‌کنند، بعد جنگ بین‌الملل اول پیش می‌آید... بعد از جنگ قسمتی از امپراتوری عثمانی را دادند به فرانسه، قسمتی را دادند به انگلستان و... از جمله جاهایی که انگلستان گرفت فلسطین بود. گفت من قیم و سرپرست شما هستم، رسماً شد کفیل. بعد به صهیونیست‌ها وعده داد (وعده معروف بالفور) که من اینجا را به شما می‌سپارم. «صهیونیست‌ها» یعنی یهودیانی که ده‌ها قرن بود که در گوشه‌های دیگر دنیا زندگی می‌کردند و از نژادهای دیگر بودند. من خودم فکر می‌کردم که یهودیان موجود همه از نسل اسرائیل‌اند، حالا

۱. همان، ج ۲ (تهران: صدرا، ۱۳۷۱، چ ۱۵)، ص ۱۶۴.

می بینم تاریخ تشکیک می کند، می گوید این حرف دروغ است. بسیاری از یهودی ها اصلا از نسل اسرائیل نیستند، جامع مشترکشان فقط مذهب است و بس. حتی نژادشان هم خالص نمانده است. یهودیانی که در اطراف و اکناف دنیا زندگی می کردند، فقط به دلیل اینکه فرنگی ها به اینها زجر داده اند و اینها دنبال نقطه ای می گردند که آنجا جمع شوند.

شهید مطهری در بیان تحریف لفظی گفته است که این تحریف مرتبط است با تحریف ادیان، در حقیقت تحریفی است که با اساس و فکر مردمان سروکار دارد. آنان برای این کار، در میان هر قومی با لباس خود آن قوم ظاهر می شوند و افکار و اندیشه های خودشان را از زبان آن مردم پخش می کنند.^۱ در تحریف معنوی اگرچه اصل وجودی کتاب مقدس را تحریف نمی کنند، ولی آن چیزی را بیان می دارند که مقصود و هدف خودشان است. آنان اهداف خود را در قالب ادیان اظهار می دارند و آن را تفسیر می نمایند.

در ادامه، سؤالی که شهید مطهری از خود پرسیده این است که در کنار این تحریف ها، چگونه یهودیان می توانند هنوز موجودیت خود را حفظ نمایند؟ به عبارت دیگر چه عاملی توانسته است، یهودیان را این گونه مستحکم در کنار یکدیگر قرار دهد؟

پاسخی که شهید به سؤال مذکور داده است به دو امر برمی گردد؛ اول، نقش

از نظر شهید مطهری قرآن کریم کلمه تحریف را مخصوصا در مورد یهودی ها به کار برده است؛ با ملاحظه تاریخ نیز معلوم می شود که آنها در طول تاریخ قهرمان تحریف هستند.

وسایل ارتباط جمعی؛ دوم، همبستگی آنان با یکدیگر و وجود روحیه نوع دوستی در میان آنها.

◆ نقش وسایل ارتباط جمعی به عنوان عوامل تحریف

شهید مطهری بیان داشته که در هر مملکتی اگر گروهی بتواند، آن شاه‌رگ‌ها - یعنی وسایل ارتباط جمعی مثل مطبوعات - را تصاحب کند، می‌تواند شاه‌رگ‌های اقتصادی را نیز به دست گیرد. او در مورد یهودیان بیان نموده که الان خبرگزاری‌های بزرگ دنیا و شبکه‌های بزرگ تلویزیونی - که جز شاه‌رگ‌های خیلی حساس است - به دست یهودیان اداره می‌شود؛ بنابراین آنها قضایا را تا حدی که برایشان ممکن است و آن طور که خودشان می‌خواهند، برای به دنیا تبلیغ می‌کنند.



گونه دیگر از تحریفات معنوی، مربوط است به فرآیند تاریخی قوم یهود؛ نظر شهید مطهری نسبت به این‌گونه تحریف آن است که یهودیان با تحریف تاریخ قصد دارند که برای خود مآمن و تاریخ بسازند.



اگر سخنان آن شهید را به عصر ارتباطات کنونی، ترجمه کنیم، می‌توان بیان داشت که یهودیان از ابزارهای جهانی شدن در راستای اهداف خود یا قومی‌گرایی بهره‌جسته‌اند. یهودیان با در دست داشتن شبکه‌های ماهواره‌ای و کامپیوتری از تبلیغ و تحریف در راستای اهداف خود بهره می‌گیرند. استفاده از وسایل ارتباط جهانی

با سرعت بالا - یعنی بهره‌گیرنده اصلی ظرفیت‌های جدید در زمینه پردازش و انتقال داده‌ها - حرفه‌ای عظیم به حساب می‌آید.^۱ عنصر رسانه، عنصری بسیار قدرتمند است که کارکرد آن در تمامی زمینه‌ها به اثبات رسیده است. این در حالی است که هیچ گروه، قوم و جنبشی همچون صهیونیسم بین‌الملل از آن به عنوان مهم‌ترین ابزار اثبات خود استفاده نکرده است. سلطه صهیونیسم بر رسانه‌های خبری جهان از زمان تأسیس اسرائیل بر سرزمین فلسطین آغاز شد؛

این موج سلطه در اواخر قرن بیستم شدت گرفت و با پیشرفت تکنولوژی نفوذ آن نیز به سرعت گسترش یافت. در واقع باید اذعان داشت که ظهور صهیونیسم برای همدل و همراه کردن یهودیان جهان و همبستگی با قدرت‌های بزرگ بوده است؛ حال با هر وسیله و ابزاری که شده از رسانه‌های گروهی سینما و... گرفته تا استفاده از فشار مالی و سیاسی. در واقع تمامی این امور جز با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای - که در اختیار صهیونیسم قرار گرفته‌اند - میسر نمی‌شود. بزرگ‌ترین رسانه‌های خبری دنیا همچون خبرگزاری‌های «رویترز»، «آسوشیتدپرس»، «یونایتدپرس»، خبرگزاری و نشریات معتبری همچون «نیویورک تایمز»، «واشنگتن پست»، «A.B.C» و «N.B.C»، «C.B.S»، «هافاس»، شبکه‌های «تایمز»، «دیلی اکسپرس»، «سایمن شوستر» و یا روزنامه‌های بسیاری چون «سان»، «تایم»، «دیلی نیوز» و صدها عنوان دیگر به صهیونیسم وابسته است و این وابستگی در چهارچوب همین طرح، سازمان یافته است.^۱

شهید مطهری با بیان این مطلب که پیروان هیچ دینی در دنیا به اندازه مسلمانان از نظر دستگاه تبلیغاتی و مبلغان ضعیف نیستند، اذعان داشته است که:

وقتی به یهود که اقلیت است نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این آب‌های زیرکاه‌ها بسیار مجهز هستند، لااقل به عوامل تحریف. اینها جنبه اثباتی ندارند که مردم را دعوت به یهودیگری بکنند، ولی جنبه تخریبی‌شان زیاد است، یعنی تخریب مکتب‌های دیگران. شما می‌بینید یک نفر یهودی یک عمر در یک رشته از رشته‌های اسلامی درس می‌خواند برای اینکه ۹۹ درصد یک کرسی اسلامی را در یک دانشگاه اشغال بکند و در آن کرسی کار خود را انجام بدهد، یا یک کتاب بنویسد و در آن کتاب فکر خودش را پخش کند. هیچ می‌دانید که بیش از ۹۰ درصد کرسی‌های اسلام‌شناسی جهان در اشغال یهودی‌هاست؟ اسلام‌شناس‌های جهان یهودی‌ها هستند! شما ببینید، اینها چقدر قدرت

۱. عفت زادفلاح، امپراتوری رسانه در اختیار صهیونیسم، در:

ضربه زدن دارند!، مسیحیت و این یهودیت! شما همین‌هایی که اسمشان را گذاشته‌اید فرقه ضاله، گمراه سیاسی که در کشور خودمان وجود دارند، همین حزب کوچک را ببینید چقدر دستگاه تبلیغاتی‌ش قوی است.^۱

او در ادامه به صورت تلویحی بیان نموده که یهودیان با استفاده از این ابزارها، همواره خود را مظلوم جلوه داده‌اند و با این مظلوم‌نمایی هم می‌توانند بین خود ایجاد همبستگی و تفوق نمایند و هم می‌توانند از سوی سایر ملل برای خود مشروعیتی کسب کنند.

♦ اتحاد و همبستگی یهودیان با یکدیگر

از دیگر مواردی که آیت‌الله مطهری در خصوص عامل بقای این قوم عنوان کرده، همبستگی و اتحاد یهودیان می‌باشد. اگرچه بخشی از این همبستگی از طریق ابزارهای ارتباط جمعی صورت می‌گیرد، اما بخش مهم دیگری در حمایت آنان از یکدیگر قابل ملاحظه است. یهودیان جهان، علی‌رغم پراکندگی ظاهری، همواره به اتحاد و همبستگی خود می‌اندیشند. در یکی از موارد وی بیان داشته:

چند روز پیش در روزنامه نخواندید که در سال گذشته یهودیان سایر نقاط دنیا، نه یهودیانی که فعلاً شناسنامه اسرائیلی دارند، پانصد میلیون دلار برای اینها فرستادند که با این پول‌ها فانتوم بخرند، بمب بریزند بر سر مسلمانان. شنیده‌ام یهودیان ایران خودمان در سال گذشته معادل پول دو فانتوم فرستادند. سی و شش میلیون دلار پول از یهودیان ایران خودمان برای آنها به عنوان کمک رفت. و من آن یهودی‌ها را به عنوان اینکه یهودی هستند، ملامت نمی‌کنم، ما خودمان را باید ملامت کنیم، او به همکیشش کمک کرده است، با کمال افتخار پول می‌فرستد، رسیدش هم از موشه دایان می‌آید و آن را در بازار هم نشان می‌دهد، می‌گوید بیا رسیدش را ببین. مگر همین دو سه شب پیش ننوشتند (من بریده‌اش را از «اطلاعات» دارم) که الان فقط یهودیان مقیم امریکا روزی

۱. مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۰۰.

یک میلیون دلار به اسرائیل کمک می‌کنند؟ آن وقت تلاش ما مسلمان‌ها در این زمینه چه بوده است؟ به خدا خجالت دارد ما خودمان را مسلمان بدانیم.^۱

شهید مطهری در بیان تحریف لفظی گفته است که این تحریف مرتبط است با تحریف ادیان، در حقیقت تحریفی است که با اساس و فکر مردمان سروکار دارد. آنان برای این کار، در میان هر قومی با لباس خود آن قوم ظاهر می‌شوند و افکار و اندیشه‌های خودشان را از زبان آن مردم پخش می‌کنند.

او در ادامه گفته است که این همبستگی تحسین دیگر ملت‌های جهان را برانگیخته است: «چرا یهودیان دنیا حتی یهودیان ایران کمک بکنند و ملت‌های دیگر آنها را تحسین کنند، بارک‌الله بگویند، ملت بیدار بگویند؛ ولی ما نکنیم؟»^۲

شهید مطهری با مقایسه همبستگی یهودیان با مسلمانان این‌گونه بیان نموده که:

می‌گویند یهودی که برای پول می‌میرد، جز پول چیزی نمی‌شناسد، خدایش پول است، زندگیش پول است، حیات و مماتش پول است، به

یک چنین مسئله حساسی که می‌رسد روزی یک میلیون دلار به هم‌کیشانش کمک می‌کند؛ ولی هفتصد میلیون مسلمان دنیا کوچک‌ترین کمکی به هم‌کیش خود نمی‌کنند.^۳

وی در این راستا، چندین سؤال را مطرح کرده و خواسته است به آنها پاسخ دهد. از جمله آنکه، وظیفه ما مسلمانان در قبال چنین تجاوزات و ظلم‌هایی که یهودیان بر مسلمانان و مردم بی‌گناه فلسطین اعمال می‌کنند، چیست؟ آیا ما وظیفه نداریم که به آنها کمک مالی کنیم؟ آیا اینها

۱. همان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲. همان، ص ۱۷۱.

۳. همان، ص ۱۷۴.

مسلمان نیستند؟ کیست که امروز بشنود فلسطینی‌های آواره حق بازگشت به وطن خود را ندارند؟^۱

شهید مطهری پیش از پاسخ به سؤال‌های مذکور، اقدام به آسیب‌شناسی جهان اسلام نموده و آن را در دو حوزه بررسی کرده است؛ آسیب‌های میان جهان اسلام؛ دیگری، آسیب‌های دشمنان به اسلام با توجه به ضعف‌های مسلمانان. سپس وی به دشمن‌شناسی جهان اسلام پرداخته است. بعد از موارد مذکور وظایف مسلمانان را در مقابل قوم یهود و اسرائیلی‌ها بیان داشته است.

◆ آسیب‌شناسی مسلمانان

شهید مطهری، شناخت آسیب‌های درونی مسلمانان را از ضروریات قلمداد می‌کرد. وی علت آسیب‌های مسلمانان را در تلقی آنان از اسلام و باورهای

شهید مطهری بیان داشته که در هر مملکتی اگر گروهی بتواند، آن شاه‌رگ‌ها - یعنی وسایل ارتباط جمعی مثل مطبوعات - را تصاحب کند، می‌تواند شاه‌رگ‌های اقتصادی را نیز به دست گیرد. او در مورد یهودیان بیان نموده که الان خبرگزاری‌های بزرگ دنیا و شبکه‌های بزرگ تلویزیونی - که جز شاه‌رگ‌های خیلی حساس است - به دست یهودیان اداره می‌شود؛ بنابراین آنها قضایا را تا حدی که برایشان ممکن است و آن طور که خودشان می‌خواهند، برای به دنیا تبلیغ می‌کنند.

اسلامی، عدم همبستگی، عدم تبلیغ و عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست و بیان می‌داشت: «ما مسلمانان اگر بخواهیم طرز تفکر خودمان را تصحیح کنیم، باید به سوابق و

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۲.

گذشته و تاریخ خودمان مراجعه کنیم، چرا که ریشه‌های این آسیب بسا هست که از زمان‌های خیلی دور می‌باشد.» او ریشه‌های آسیب را در بی‌عملی و عدم اتکای به خود می‌داند. وی همچنین افزود که:

... اگر شما می‌بینید در صدر اسلام مسلمانان آن‌قدر جنبش و جوشش داشتند، چون یکی از اصول افکارشان همین بود آنها این تعلیم را که از سرچشمه گرفته بودند، هنوز منحرف نکرده بودند فکرشان این بود که هر چه من عمل و سعی می‌کنم و هر چه که می‌جنبم (البته عمل یک مسلمان اختصاص به عمل جوارح ندارد بلکه نیت او هم باید صحیح باشد، ایمانش هم باید صحیح باشد)، فقط همین است که به درد من می‌خورد و جز این، چیز دیگری نیست این چقدر به انسان اعتماد به نفس می‌دهد، چقدر انسان را متکی به نیروی خودش می‌کند؟ از جمله تعلیمات اسلام که در همان صدر اسلام کم و بیش آسیب‌دید و هر چه گذشت این آسیب زیادتر شد (نه تنها اصلاح نشد بلکه زیادتر شد) همین مسئله است.^۱

♦ همبستگی در مواجهه با دشمن

به نظر شهید مطهری از دیگر آسیب‌هایی که بر پیکر جوامع اسلامی وارد شد، عدم همبستگی و وحدت میان جوامع مسلمان بود؛ یعنی همان چیزی که باعث شد نه تنها مسلمان‌ها جایگاه واقعی خود را در عرصه جهانی از دست بدهند، بلکه به مشکلات متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی گرفتار شوند.

اکنون مشاهده می‌کنیم که گوشه و کنار جهان اسلام، عرصه زورآزمایی و هنرنمایی نظامی و سیاسی گرگان جهانی است؛ استکبار و صهیونیسم، دست به دست هم داده‌اند و با استفاده از عوامل داخلی خود، در جهان اسلام فتنه‌گری می‌کنند. آنها مثل گرگ به جان جهان اسلام افتاده‌اند و بر روی مسلمانان پنجه می‌افکنند تا جایی را تصاحب کنند، با نفوذ سیاسی و نظامی

۱. مرتضی مطهری، حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی (تهران: صدرا، ۱۳۶۱، چ ۳)، ص ۹۴.

خود را در بخش‌های مختلف سرزمین‌های اسلامی، مسلم نمایند. در زمینه اقتصادی، فرهنگی و... نیز وضع بهتری نداریم و در اثر نفوذ آشکار و پنهان صهیونیسم و استکبار در جوامع اسلامی و رهبران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام، نه تنها همه ثروت مسلمانان به تاراج می‌رود، بلکه نمی‌توانیم یک اراده جمعی از خود نشان بدهیم و با یک تصمیم جمعی از توان بالقوه و بالفعل خود در عرصه اقتصادی استفاده کنیم و حداقل با این ابزار مهم، جلوی بخشی از جنایت‌های استکبار و صهیونیسم را در جهان اسلام بگیریم. خلاصه اینکه تشتت قدرت‌های سیاسی جهان اسلام و پایین بودن روح همبستگی در بین مسلمانان، مصیبتی است که مشکلات بسیاری را برای مسلمانان فراهم کرده است. این تشتت در حالی است که دشمنان اسلام نه تنها اتحادها و همبستگی‌های قاره‌ای دارند، بلکه در سطح جهان به طور متحد عمل می‌کنند.^۱

آیت‌الله مطهری بیان داشته است که مسلمانان بیش از مجهز شدن در برابر دشمنان، در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ از این رو، جوامعی مرده هستند. مخالفان اتحاد مسلمانان، برای

اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا این اتحاد در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آنها نیست؛ چرا که این کار نه معقول و منطقی است و نه مطلوب

سلطه صهیونیسم بر رسانه‌های خبری جهان از زمان تأسیس اسرائیل بر سرزمین فلسطین آغاز شد؛ این موج سلطه در اواخر قرن بیستم شدت گرفت و با پیشرفت تکنولوژی نفوذ آن نیز به سرعت گسترش یافت.

و عملی. منظور دانشمندان از وحدت اسلامی، وحدت مسلمانان است در یک صف و در برابر دشمنان مشترکشان. این دانشمندان می‌گویند، مسلمانان مایه‌های وفاق بسیاری دارند که می‌تواند مبنای اتحاد محکم در میان آنان گردد. همه مسلمانان از یک نوع جهان بینی برخوردارند؛ یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و سابقه‌دار شرکت دارند. وحدت در جهان‌بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش‌ها و نیایش‌ها، در آداب و سنن اجتماعی و... می‌تواند از آنها ملتی واحد و قدرتی عظیم بسازد که قدرت‌های جهان در برابر آنها خضوع نمایند؛ خصوصاً اینکه بر اساس نص صریح قرآن مسلمانان برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمانان از این همه امکانات وسیع - که از برکت اسلام نصیبشان گشته - استفاده نمی‌کنند؟^۱

او در خصوص میزان همبستگی در جوامع اسلامی بیان داشته است:

یکی از علائم حیات یک جامعه این است که همبستگی میان افرادش بیشتر است. خاصیت مردگی، متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یکدیگر است. خاصیت زندگی یک اجتماع به همبستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. آیا جامعه اسلامی امروز یک جامعه زنده است یا یک جامعه مرده؟ به این دلیل که مسلمانان بیشتر به جان یکدیگر می‌افتند و بیشتر مساعیشان صرف جنگ و دعوا با خودشان و اختلاف داخلی خودشان می‌شود، و در نتیجه دشمن زیرک استفاده می‌کند، آنها مرده هستند. چه تعبیر رسایی وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارد، می‌فرماید: «مثل المؤمنین فی تواددهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى»، مثل مردم با ایمان، آنهایی که زنده به ایمانند، آنهایی که مصداق «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» هستند، مثل مؤمنان در همدلی، در دوست داشتن یکدیگر، در عاطفه داشتن

۱. مرتضی مطهری، شش مقاله (الغدیر و وحدت اسلامی) (تهران: صدرا، ۱۳۶۸)، ص ۴.

نسبت به یکدیگر، در همدردی نسبت به یکدیگر، در علاقه‌مند بودن به سرنوشت یکدیگر، مثل پیکر زنده است که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا با این عضو همدردی می‌کنند.^۱

سپس با مقایسه جامعه ایده‌آل اسلامی با جوامع کنونی بیان نمود که:

آیا ما مسلمانان امروز همین جور هستیم؟ آیا اگر ضایعه‌ای، گرفتاری‌ای در نقطه‌ای از نقاط اسلامی رخ بدهد، ما این جور هستیم؟ حدود پانصد سال پیش وقتی که اندلس را که یکی از شریف‌ترین اعضای پیکر اسلامی بود از مسلمانان گرفتند که این هم تاریخچه عجیبی دارد، اساسا مسلمانان دیگر، هیچ متوجه نشدند و گویا اصلا خبردار نشدند که عضو شریفی را، یکی از مهدهای بزرگ تمدن اسلامی و جهانی را از آنها گرفتند در آن وقت گرفتار جنگ شیعه و سنی بودند؛ اصلا فکر نمی‌کردند که چنین موضوعی هم در دنیا مطرح است، و چنین فاجعه‌ای هم برای دنیای اسلام رخ داده است. اقبال مدعی است که از تاریخ مردن تفکر اسلامی پانصد سال می‌گذرد او مدعی است که پانصد سال است که طرز تفکر مسلمانان درباره اسلام به صورت مرده‌ای درآمده و صورت زندگی خودش را از دست داده است. در گرفتاری‌هایی که امروز برای اسلام هست، مثلا در همین گرفتاری فلسطین، ما و شما چقدر همدردی داریم؟ واقعا احساس همدردی ما چیست؟ اگر نباشد، به قول پیغمبر اکرم ما مسلمان نیستیم. «مثل المؤمنین فی تواددهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و الحمى»، می‌فرماید: تمام این پیکر بی‌خوابی بسرش می‌زند، استراحت و آسایش از او گرفته می‌شود یعنی آن قدر به تکاپو می‌افتد که دیگر خوابش نمی‌برد.^۲

آنچه از متن سخنان آیت‌الله مطهری دریافت می‌شود، این است که وی چگونگی برخورد مسلمانان با مسئله فلسطین را معیاری برای سنجش روح همبستگی آنان، کیفیت اتحاد و تشمت جهان اسلام، میزانی برای آزمودن بلوغ سیاسی آنان و آگاهی از تفکر راهبردی مسلمان‌ها

۱. همان، ص ۸۳.

۲. همان، ص ۸۴.

می دانسته است. به عبارت دیگر، مسئله فلسطین می تواند جلوه گاه و محل نمایش غیرت اسلامی، آگاهی اسلامی، وحدت اسلامی و همبستگی اسلامی باشد؛ یعنی اینکه اگر مسلمانان در مورد این موضوع واکنش مناسبی نشان دهند، جهان به ویژه مستکبران متوجه خواهند شد که مسلمانان در موضوعات اساسی و بنیادی با هم متحدند و با آگاهی و غیرت با آنها برخورد می کنند. در غیر این صورت، استعمارگران و صهیونیسم ها متوجه خواهند شد که مسلمانان نسبت به این موضوع، حساسیت و واکنش جدی ندارند و می شود به راحتی به سرزمین ها و منافع آنها یورش برد. به همین دلیل است که پس از اشغال فلسطین، بارها به طور آشکار و پنهان شاهد حملات جهان استکبار به سرزمین های مختلف اسلامی هستیم.^۱

شهید مطهری به میزان همبستگی مسلمانان به اندازه نماز خواندن، بها می داده و بر آن تأکید داشته است. او بیان نموده که:

والله انفاق به فلسطینان واجب است، مثل نماز خواندن و روزه گرفتن واجب است. اولین سؤالی که بعد از مردن از ما می کنند همین است که در زمینه همبستگی اسلامی چه کردید؟

پیغمبر فرمود: «من سمع مسلما ینادی یا للمسلمین فلم یجبهه فلیس بمسلم» هر کس بشنود صدای مسلمانی را که فریاد می کند یا للمسلمین، مسلمانان به فریاد من برسید، و او را کمک نکند، دیگر مسلمان نیست، من او را مسلمان نمی دانم. مردم بیدار، آن مردمی هستند که فرصت شناس باشند، دردشناس باشند، حقایق شناس باشند.^۲

شهید مطهری علت آسیب های مسلمانان را در تلقی آنان از اسلام و باورهای اسلامی، عدم همبستگی، عدم تبلیغ و عدم توجه به امر به معروف و نهی از منکر می دانست.

۱. همان، ص ۲.

۲. مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۷۱.

در کنار آسیب‌هایی که در جهان اسلام در مقابل دشمنان وجود دارد، بحث دشمن‌شناسی نیز برای آن شهید حائز اهمیت است.

♦ دشمن‌شناسی

در کنار توصیه‌های ائمه معصومین و امام خمینی(س)، در حوزه دفاعی - امنیتی و تدوین استراتژی کلان آنچه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، دشمن‌شناسی و موضع‌گیری مناسب می‌باشد. دشمن‌شناسی باعث تقویت قدرت تحلیل در عرصه نظام بین‌الملل می‌شود و بالا بردن قدرت تحلیل، توان بازدارندگی سیاسی را افزایش می‌دهد؛ از این رو شناخت دشمن برای مسلمانان از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.



مسئله فلسطین می‌تواند جلوه‌گاه و محل نمایش غیرت اسلامی، آگاهی اسلامی، وحدت اسلامی و همبستگی اسلامی باشد.



آیت‌الله مطهری نیز اقدام به دشمن‌شناسی نموده و بیان داشته است که مسلمانان نباید از دشمن غافل شوند؛ چرا که دیگران در باطن، جور دیگری درباره آنان فکر می‌کنند، تظاهر دشمن به دوستی با مسلمانان، آنان را غافل نکند و موجب نگردد که آنان دشمن را دوست

پندارند و به او اطمینان کنند. مسلمان همواره باید بداند که عضو جامعه اسلامی است، جزئی است از این کل. جزء یک کل و عضو یک پیکر بودن، خواه ناخواه شرایط و حدودی را ایجاد می‌کند. غیرمسلمان عضو یک پیکر دیگر است؛ عضو پیکر اسلامی روابطش با اعضای پیکر غیراسلامی باید به نحوی باشد که لااقل با عضویتش در پیکر اسلامی ناسازگار نباشد، یعنی به وحدت و استقلال این پیکر آسیبی نرساند.^۱ آیت‌الله مطهری با بیان اینکه در حال حاضر،

صهیونیسم بزرگ‌ترین خطر برای جوامع اسلامی است که نمی‌توان از آن غافل شد، بیان داشته که:

ما امروز دو خطر بزرگ داریم، دو خطر بزرگ متوجه عالم اسلام است. قضیه الجزایر با همه اهمیتی که دارد جنبه محلی دارد؛ اما این دو خطر که عرض می‌کنم، عمومی است و از لحاظ سیاست خارجی عالم اسلام فوق‌العاده اهمیت دارد. آن دو خطر یکی کمونیزم است و دیگر صهیونیسم، یعنی خطر جهود، یکی کفر صریح است و دیگری نفاق. این دو در تمام کشورهای اسلامی بساطت جاسوسی خود را پهن کرده‌اند. خدا می‌داند که در سال چند میلیون دلار برای این کار صرف می‌شود. این دو تا شاه‌رگ اسلام را می‌زنند، مثل دو تیغه قیچی به کار افتاده‌اند که ریشه اسلام را ببرند. مسلمانان باید کاملاً هوشیار باشند و به این دو خطر توجه داشته باشند.^۱

وی دشمنان کنونی جهان اسلام را با دشمنان صدر اسلام مقایسه کرده و بیان نموده است که:

والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین بن علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای من عزاداری کنید، می‌گفت چه شعاری بدهید؟ آیا می‌گفت بخوانید: «نوجوان اکبر من» یا می‌گفت بگویید: «زینب مضطرب الوداع، الوداع»، چیزهایی که من (امام حسین) در عمرم هرگز به این جور شعارهای پست و کثیف ذلت‌آور تن ندادم و یک کلمه از این حرف‌ها نگفتم؟! اگر حسین بن علی، بود می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر هزار و سیصد سال پیش مرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار (تهران: صدرا، ۱۳۶۸، چ ۵)، ص ۲۷۴.

می‌خورد. هی دروغ در مغز ما کردند که آقا این یک مسئله داخلی است. مربوط به عرب و اسرائیل است.^۱

آیت‌الله مطهری بعد از بیان آسیب‌های درونی جهان اسلام و دشمن شناختی، راه حل مقابله با این دشمنان قسم‌خورده (یهودیان) را اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است.

♦ وظیفه مسلمانان در مقابل تحریف‌ها

آیت‌الله مطهری بعد از بیان تحریف‌های صهیونیست‌ها و با اشاره به وجود همبستگی و روح وحدت در میان آنان و با اشاره به اینکه ابزارها و رسانه‌های ارتباط جمعی، در دست آنان است، وظیفه مسلمانان را بعد از همبستگی و وحدت، تبلیغ و اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته است. او بین تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر تفاوت قائل بود:

تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر دو مسئله جداگانه هستند. البته با یکدیگر پیوستگی دارند، ولی دو مسئله هستند. تبلیغ، مرحله شناساندن و خوب رساندن است، پس مرحله شناخت است؛ ولی امر به معروف و نهی از منکر مربوط به مرحله اجراء و عمل است...

تبلیغ خودش یک وظیفه عمومی برای همه مسلمانان است؛ همچنان که امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است. وظیفه‌ای که هر مسلمان از نظر تبلیغ دارد، این است که باید این احساس در او پیدا بشود که به نوبه خودش حامل پیام اسلام است؛ اما وظیفه‌ای که هر مسلمان در مورد امر به معروف و نهی از منکر دارد اینست که باید این احساس در او باشد که مجری و جزء قوه مجریه این پیام است که باید آن را در جامعه به مرحله عمل و تحقق برساند و به آن لباس عینیت بپوشاند. این است که امر به

معروف و نهی از منکر یک مطلب است و تبلیغ، مطلب دیگر.^۱

به نظر می‌رسد شهید مطهری در رابطه با تبلیغ بر روی دو حوزه تأکید داشته است؛ یکی، حوزه مربوط به تبلیغ صحیح اسلام در بین خود مسلمانان است؛ به طوری که اگر دشمنان اسلام قصد تحریف وحدت مسلمانان را داشته باشند، این امر مجدداً احیا گردد. دیگری، تبلیغ اسلام در بین غیرمسلمانان؛ که این امر نیز در کنار آسیب‌شناسی، معنا می‌یابد. به عبارت دیگر با شناخت آسیب‌هایی که امکان دارد دشمنان از ناحیه آنها به اسلام ضربه بزنند، می‌توان تبلیغ را در آن نواحی آسیب‌پذیر گسترش داد. وی با بیان اینکه دستگاه تبلیغاتی مسلمانان بسیار ضعیف است، گفته است که:

انسان وقتی نگاهی به دستگاه‌های تبلیغاتی مسیحیت می‌کند و آن وسعت و امکانات، آن وسایل، آن ابزارها، آن افراد، آن بودجه عظیم، آن تاکتیک‌ها و آن همه تجهیزات و تشکیلات تبلیغاتی را می‌بیند، می‌گوید مگر با این همه دستگاه تبلیغاتی مسیحیت، اسلام می‌تواند، مقاومت بکند؟! واقعا عجیب است! وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از نظر دستگاه تبلیغاتی واقعا در حد صفر هستیم. هیچ دینی در دنیا به اندازه اسلام از نظر دستگاه تبلیغاتی و مبلغانش ضعیف نیست.^۲

بنابراین شهید مطهری ابلاغ صحیح اسلام به مسلمانان و غیرمسلمانان را از نقاط ضعف آنان می‌دانسته است. از سوی دیگر از نحوه امر به معروف و نهی از منکر مسلمانان نیز گله‌مند بود. زیرا معتقد بود که فریضه مذکور مربوط به حوزه عمل و اجرا می‌باشد که در این حوزه نیز مسلمانان بسیار ضعیف هستند:

امر به معروف و نهی از منکر اصل یکی از ارکان تعلیمات اسلامی است. یکی از ارکانی است که به نص صریح متون اسلامی و گفته پیغمبر اکرم، اگر از بین برود، تمام تعلیمات اسلامی از بین رفته است. اگر این اصل منسوخ شود، جامعه اسلامی به

۱. همان، ص ۱۹۲.

۲. همان، ص ۱۹۵.

صورتی که باید وجود داشته باشد، هرگز وجود نخواهد داشت. کارنامه ما در این باب چگونه کارنامه‌ای است؟ متأسفانه کارنامه ما مسلمانان در این زمینه درخشان نیست. از آن نظر کارنامه درخشانی نیست که اولاً ما آن حساسیتی را که اسلام در این زمینه دارد، نداریم، یعنی آن اهمیتی را که اسلام به این موضوع داده است، درک نکرده‌ایم، و ثانیاً در حدودی هم که به حساب و خیال خودمان به اهمیت این موضوع پی برده‌ایم، واجد شرایط آن نبوده‌ایم.

توضیح اینکه، پیغمبر اکرم موضوع امر به معروف و نهی از منکر را با تعبیر دیگری بیان کرده است آنجا که فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» تمام افراد شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و شبان دیگران هستید و تمام شما نسبت به تمام خودتان مسئولید. تعبیری از این بالاتر نمی‌توان کرد. یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی. چنین وظیفه سنگینی اولاً آگاهی و اطلاع زیاد می‌خواهد، یعنی هر فرد یا اجتماع ناآگاهی نمی‌تواند این وظیفه را به خوبی انجام دهد، و ثانیاً قدرت و امکان می‌طلبد. انجام دادن چنین مسئولیت بزرگ و چنین تکلیف بسیار بزرگی، احتیاج به قدرت و نیرو دارد. و ما قدرت و نیروی لازم را برای این موضوع کسب نکرده‌ایم. نیرو را بالقوه داریم، ولی این نیرو را جمع نمی‌کنیم. آمار دقیق و صحیح نشان می‌دهد که جمعیت مسلمانان در حدود هفتصد میلیون نفر است. چطور می‌توان گفت هفتصد میلیون نفر نمی‌توانند به صورت یک قدرت بزرگ در دنیا باشند؟ اگر چنین جمعیتی در فکر تشکل باشد، در فکر این باشد که به دنبال هدف‌ها و منویات اسلامی برود، همبستگی اسلامی خودش را محکم کند، همدردی اسلامی خودش را تقویت کند، ارتباطات اسلامی خودش را برقرار کند، امکان ندارد که دنیا بتواند او را به حساب نیاورد، آن‌طور که امروز به حساب نمی‌آورد. محال است که امریکا روی چنین قدرتی حساب نکند و مرتب سرزمین‌های آنها را بمباران کند. اما به شرط آنکه این قدرت به صورت یک قدرت متشکل در بیاید؛ نه به صورت آحاد پراکنده، ملت‌های پراکنده، ملت‌هایی که دائماً در

میان آنها موجبات تفرق و اختلاف، تبلیغ می‌شود، ملت‌هایی که به چیزی که نمی‌اندیشند، شخصیت واقعی و معنوی خودشان است. کارنامه ما در زمینه همبستگی، همدردی و تعاون اسلامی، در زمینه تعارف (به تعبیر قرآن) یعنی شناسایی اسلامی که یکدیگر را بشناسیم، به احوال یکدیگر آگاه و به سرنوشت‌های یکدیگر علاقمند باشیم، کارنامه بسیار بسیار ضعیفی است، اگر نگوییم تاریک و ننگین است.^۱

♦ نتیجه‌گیری

آیت‌الله مطهری راه حل مقابله با این دشمنان قسم‌خورده (یهودیان) را اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده است.

با مطالعه آثار آیت‌الله مطهری می‌بینیم که او با استناد به قرآن، از یهودیان به عنوان قومی تحریف‌گر یاد کرده است؛ قومی که تحریف‌گری جزء ذات آنهاست. این‌گونه تحریف‌ها هم مربوط به مذهب و هم مربوط به تاریخ آنهاست. در کنار این تحریف‌ها، آن قوم وحدت و همبستگی

خاصی با یکدیگر دارند، که با همین همبستگی و هوشیاری از ضعف‌های جوامع اسلامی نهایت استفاده را برده‌اند. لذا آیت‌الله مطهری بعد از بیان همبستگی و وحدت این قوم، اقدام به آسیب‌شناسی و دشمن‌شناسی جهان اسلام نمود. وی در بررسی‌های آسیب‌شناسانه عدم همبستگی در میان مسلمانان را جزء بزرگ‌ترین نقاط ضعف آنان می‌دانسته است؛ از این رو، مسلمانان را به همبستگی و وحدت در مقابل دشمنان، تبلیغ صحیح دین اسلام و اجرای فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌نمود.